

## آیا نبوغ و جنون به هم مربوط هستند؟

بسیاری از مشهورترین نوایغ خلاق از ونسان ون گوگ و فریدا کالو گرفته شخصیت‌های بزرگ ادبی مانند ویرجینیا وولف و ادگار آلن بو دچار اختلال روانی بوده‌اند. امروز ارتباط نقل شده میان نبوغ و جنون دیگر صرفاً به موارد محدود محدود نمی‌شود.



همشهری آنلاین: بسیاری از مشهورترین نوایغ خلاق از ونسان ون گوگ و فریدا کالو گرفته شخصیت‌های بزرگ ادبی مانند ویرجینیا وولف و ادگار آلن بو دچار اختلال روانی بوده‌اند. امروز ارتباط نقل شده میان نبوغ و جنون دیگر صرفاً به موارد محدود محدود نمی‌شود.

پژوهش‌های فزاینده نشان می‌دهد که این دو سر طیف ذهن انسانی واقعا با هم ارتباط دارند- و دانشمندان به تدریج دارند درک می‌کنند که چرا اینگونه است.

به گزارش لایو ساینس یک پنل از کارشناسان در یک گردهمایی در 31 مه در نیویورک به عنوان بخشی از پنجمین "جشنواره سالانه علوم" به بحث پرداختند. هر سه عضو این پنل خودشان دچار اختلال روانی بودند.

کی ردفیلد جمیسون، روانشناسی بالینی و استاد دانشکده پزشکی دانشگاه جانز هاپکینز می‌گوید یافته‌های حدود 20 تا 30 بررسی علمی برداشت "تابغه رنج کشیده" را تایید می‌کنند.

به نظر می‌رسد که خلاقیت در میان انواع بسیار روانپزشکی، بیشترین ارتباط را با اختلالات خلقی، و به خصوص اختلال دوقطبی داشته باشد که خود جمیسون هم به آن مبتلا است.

برای مثال یک بررسی هوش 700000 سوئدی 16 ساله را اندازه گرفته بود و بعد تا یک دهه این افراد را مورد پیگیری قرار داد تا دریابند کدام یک از این افراد دچار بیماری روانی می‌شوند.

نتایج جالب این بررسی در سال 2010 منتشر شد. جمیسون گفت: "دانشمندان دریافتند که افرادی در حدود 16 سالگی بالاترین بهره هوشی را داشتند، با احتمال 4 برابر بیشتر ممکن بود بعدها دچار اختلال دوقطبی شوند."

در اختلال دوقطبی نوسان‌های خلقی چشمگیری میان شادی شدید (که آن را مانی یا شیدایی می‌نامند) و افسردگی شدید رخ می‌دهد.

اما چگونه ممکن است این چرخه غذاب آور باعث ایجاد خلاقیت شود؟ پژوهش‌ها بوسیله یک عضو دیگر این پنل، جیمز فالون، متخصص عصب- زیست‌شناسی در دانشگاه کالیفرنیا- ایروین پاسخی را به دست می‌دهد.

فالون گفت: "افراد دچار اختلال دوقطبی هنگامی از افسردگی عمیق خارج می‌شوند، گرایش به خلاقیت نشان می‌دهند." هنگامی که وضعی خلقی بیمار مبتلا به اختلال دوقطبی بهبود پیدا می‌کند، فعالیت مغزی او نیز تغییر پیدا می‌کند: فعالیت در بخش پایینی ناحیه‌ای از مغز که "قطعه پیشانی" نامیده می‌شود، کاهش پیدا می‌کند، و فعالیت در بخش بالایی این قطعه شدت می‌گیرد.

فالون گفت: "شبکه عصبی میان این مدارهای مغزی است که باید با اختلال دوقطبی و خلاقیت ارتباط داشته باشد."

الین ساکس، استاد قوانین بهداشت روانی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی توضیح داد که افراد مبتلا به روانپزشکی نمی‌تواند تحریکات را مانند سایر افراد فیلتر کنند. در مقابل این افراد می‌توانند از ایده‌های متضاد به طور همزمان لذت ببرند و از همبستگی‌های ناواضحی

که مغز ناخودآگاه اغلب افراد ارزشی برای فرستادن آنها به سطح خودآگاه قائل نیست، آگاه باشند. با وجود اینکه عقیده بر این است که هجوم بردن این مطالب نامفهوم به درون خودآگاهی ممکن است آشفتنه‌کننده و توانکاه باشد، ساکس که خودش در دوران جوانی به اسکیزوفرنی مبتلا شد، گفت " این وضعیت در عین حال ممکن است باعث خلاقیت هم بشود."

برای مثال در بررسی‌های تداعی کلمات که در آن از مشارکت‌کننده خواسته می‌شود کلماتی را در پاسخ به یک کلمه محرک (برای مثال "لاله") به ذهن‌شان می‌آید، فهرست کنند، نشان می‌دهد که بیماران مبتلا به اختلال دوقطبی که در مرحله مانی خفیف هستند، در یک زمان معین ممکن است سه برابر جمعیت عادی تداعی کلمات انجام دهند. و اینکه چگونه این وضعیت به بارقه‌های نبوغ می‌انجامد، را ممکن است اینگونه توضیح داد که داشتن ایده‌های سرکوب‌نشده فراوان با احتمال بیشتر به آفرینش چیزی عمیق منجر خواهد شد."

البته مشخص است در هیچکس در حین یک حمله شدید افسردگی یا اسکیزوفرنی انرژی خلاقه فوران نخواهد کرد. مهم‌تر از این‌ها به گفته این دانشمندان این اختلالات روانی ناتوان‌کننده و حتی مرگبار هستند، و گرچه جامعه از منافع خلاقیت نابغه‌های زجرکشیده سود می‌برد، همیشه خود این افراد قبول ندارند که لحظات بروز نبوغ‌شان ارزش این رنج وجودی را داشته باشد.